



«انسان بر فراز زمانه» به مناسبت سالگرد شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران

چهل و یک سال از شهادت قهرمان ملی ایران، رفیق خسرو روزبه، گذشت. و چهل یک سال پیش، روزبه بانشارجان خویش، صدای حقانیت و پایداری مردم میهن مان را در برابر کودتاچیان و اربابان آمریکایی و انگلیسی آنان، با فریادی رسا به گوش جهانیان رسانید.

در تاریخ همه ملت های جهان، طی دوره های مختلف، شخصیت های بزرگی ظهور کرده اند، این شخصیت ها که محصول شرایط تاریخی اند، نقش و تأییدی و رای زمان ها و یک دوره خاص دارند. به قول فرزانه گرانمایه، اینان اند بزرگ مردان، شگرف مردان، پویا مردان، روزگار مردان، تاریخ آفرینان، آینده سازان. در تاریخ پر نشیب و فرازانسانیت (۱). چنین بزرگانی

ادامه در صفحه ۳

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۵۷، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۸

بحثی پیرامون توسعه اقتصادی، سرمایه داری جهانی، و جامعه مدنی در ایران!

در ایران رشد مبارزات سیاسی شتاب یابنده ای در راستای تحول روبنای سیاسی - اجتماعی را شاهدیم. تشدید گروه بندی های سیاسی درون رژیم و برخورد های مابین جناح های سیاسی حول مقوله جامعه مدنی، کاملاً متکی و برخاسته از فعل و انفعالات درون جامعه است، و عکس العمل صریح مردم در انتخابات خرداد ۱۳۷۶ را می توان بدرستی یکی از نقاط عطف مهم این فعل انفعالات دانست. باید توجه داشت جهت اساسی این مبارزات سیاسی بین جناح های رژیم، در بهترین وجه، فقط در راستای تحول نسبی روبنای سیاسی خواهد بود. اما در مقابل، مبارزه توده ها بر ضد استبداد حاکم، محدود به مسایل روبنایی نبوده و دستیابی به عدالت اقتصادی یکی از ارکان اصلی تعیین کننده آن است. به عبارت دیگر، خواسته های توده های میلیونی در راستای تحول وضع مادی تأثیر عمده ای در تعیین شعار ها و آماج این

ادامه در صفحه ۴

مبارزه متحد و جنبش مستقل کارگران و زحمتکشان، بخش مهم و کلیدی جنبش مردمی در پیکار برای آزادی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

از کالاهای خارجی است که متأثر از سیاست های اتاق بازرگانی است.»

«روزنامه «صبح امروز»، یکشنبه، ۱۲ اردیبهشت ماه، در مقاله ئی با عنوان «یک گردهمایی و دو شتونده!»، در ضمن درج گزارش کوتاهی از تظاهرات کارگران به مناسبت اول ماه مه در میدان بهارستان، نوشت: «بعید است حرف های محبوب و شعرهای تند کارگران به خیابان طالقانی نرسد، اما حرف های او و سهیلا جلو دار زاده نماینده دیگر کارگران را عده زیادی نشنیدند. شاید به همین خاطر بود که جلودار زاده گفت: آقایان این جمع بزرگ کارگری آن قدر ارزش نداشت که صدا و سیما آن را پوشش خبری دهد؟» در اصفهان نیز هزاران تن از کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی در یک گردهمایی پرشکوه، ضمن بزرگداشت روز جهانی کارگر، انزجار خود را از سیاست های ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» اعلام کردند. در این مراسم، کامران، نماینده مجلس و همسرش تلاش کردند تا به جمع کارگران بپیوندند که با اعتراض شدید آنها روبه رو شدند و ناچار مراسم را ترک کردند. گزارش های رسیده حاکی از حرکت های مشابه در سایر شهرهای بزرگ ایران، خصوصاً تبریز، کرمانشاه، قزوین و دیگر نقاط کشور است.

اعتراض یکپارچه کارگران بر ضد تلاش های مجلس برای تغییر تدریجی قانون کار، یکی از عرصه های مهم مبارزاتی کارگران در سال آینده است. بر اساس اعتراف خود مقام های رژیم، در صورت تصویب این لایحه نزدیک

ادامه در صفحه ۶

روز ۱۱ اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر و روز تجدید عهد با مبارزه کارگران و زحمتکشان در راه احقاق حقوق خود در سرتاسر ایران به روز اعتراض به سیاست های ضد کارگری رژیم «ولایت فقیه» تبدیل شد. در تهران با وجود سکوت رسانه های گروهی، از جمله روزنامه های مدافع «جبهه دوم خرداد» و عدم بزرگداشت این روز، ده ها هزار تن از کارگران کارخانه ها و کارگاه های تهران راه پیمایی پرشکوهی را در میدان بهارستان برگزار کردند. در این مراسم، کارگران با شعارهای کوبنده خود حرکت مجلس برای تغییر قانون کار را به شدت مورد حمله قرار دادند و با تصویب قطعنامه ئی در هفت ماده خواهان اقدامات فوری دولت در پاسخ دادن به خواست هایشان شدند. در این قطعنامه، ضمن اعلام حمایت کارگران از قانون کار، کارگران خواستار پرداخت پاداش پایان دوره اشتغال کار شده، و همچنین خواست خود را برای تصویب قوانینی درباره بازنشستگی پیش از موعد کارگران در کارهای زیان بار، اعلام کردند. در این گردهمایی شکوهمند، کارگران ضمن اعتراض به سخنان سهیلا جلو دار زاده نماینده مجلس، و محبوب، دبیر کل خانه کارگر، انزجار عمیق خود را از طرح مجلس برای خارج کردن کارگاه های کوچک (تا سه نفر کارگر) از شمول قانون کار و تأمین اجتماعی اعلام کردند. در این گردهمایی همچنین کارگران سیاست های اقتصادی رژیم را به شدت مورد حمله قرار دادند و در بند هفتم قطعنامه مصوب گردهمایی روز اول ماه مه از جمله ذکر شده است: «مشکل اقتصاد کشور سرمایه گذاری و اشباع بازار

در این شماره

- کرباسچی به اوین منتقل شد در ص ۲
- از «آیت الله» تا «حجت الاسلام» در ص ۲
- سایه سنگین فقر بر زندگی مردم در ص ۵
- پنجاه سالگی پیمان ناتو در ص ۶
- سیمای «انسانی» سرمایه داری در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



زلزله سنگین در استان فارس

بر اساس گزارش خیرگزاری جمهوری اسلامی، دوزمین لرزه سنگین به قدرت ۵/۷ و ۶/۸ ریشتر، بامداد جمعه جنوب غربی استان فارس را لرزاند. بر اساس همین گزارش، از ساعت ۳/۳۰ بامداد روز جمعه، زمان وقوع زمین لرزه، تا ساعت ۱۱ ظهر جمعه ۵۰ پس لرزه در این منطقه به وقوع پیوسته که در مجموع تلفات سنگینی را به بار آورد.

آخرین گزارش ها حاکی است که ۲۰ نفر از هم وطنان در این حادثه جان خود را از دست داده اند و شمار مجروحان بیش از ۸۰ تن تخمین زده می شود. به گفته استاندار استان فارس بر اثر این زمین لرزه ها بیش از ۸۰۰ واحد مسکونی در ۲۵ روستا خسارت دیده اند و افزون بر منازل مسکونی تأسیسات آب، برق و کشاورزی و ساختمان مدارس و راه های ارتباطی نیز دچار زیان شده اند.

کریاسچی به اوین منتقل شد

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، غلامحسین کریاسچی روز پنجشنبه در مشایعت گروهی از شهرداران مناطق تهران، عبدالله نوری، رئیس شورای شهر تهران، فائزه هاشمی و جمعی از کارگزاران، خود را به مجتمع قضایی بهشتی در تهران معرفی کرد و از آنجا به زندان اوین منتقل شد. روزنامه جوان، شماره چهاردهم اردیبهشت ماه، به نقل از عبدالله نوری، در جلسه شورای شهر تهران، نوشت: «کریاسچی به خاطر تخفیف در پنج قطعه زمین به مدیران شهرداری باید محاکمه و زندانی شود، ولی از آن طرف بانک مرکزی از تخفیفی ۲۵ میلیارد تومانی از سوی شخص یا ارگانی خبر می دهد، ولی می گویند دیدیم تخلفی صورت گرفته بود و ما جلوی آنرا گرفتیم. داستان کریاسچی، نوری و مهاجرانی نیست بلکه داستان های خاتمی زیاد است و ما آمده ایم بدون هراس از هر چیزی به وظیفه خود عمل کنیم و می بینیم که محسن کدیور در زندان زندگی می کند و آقای کریاسچی نیز به نزد وی خواهد رفت و یک زندگی خوبی را آغاز خواهد کرد.»

فائزه هاشمی در مراسم مشایعت کریاسچی، او را «نماد سازندگی دولت آقای رفسنجانی» توصیف کرد و افزود: «انتظار این است که آقای هاشمی وارد کار شود... البته نمی توان گفت آقای هاشمی رفسنجانی حمایت نکرده چون او

اعتقاد دارد سیاست و کارهایش را پشت پرده انجام دهد تا بتواند موثر باشد.»

از «آیت الله» تا «حجت الاسلام»

روزنامه سلام، شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه، در پاسخ به خواننده ئی که پرسیده بود: «در روزنامه کیهان مورخ ۴ اردیبهشت در صفحه سوم نوشته شده که موج انتقاد از مسامحه مسئولان در قبال هجوم به ارزش های دینی و انقلابی بالا گرفت و یکی از روحانیونی که نام ایشان برده شد است آیت الله اختری امام جمعه سمنان است می خواستم بدانم... حجت الاسلام آقای اختری چه طور از دید کیهان لقب آیت الله می گیرد؟»، نوشت:

«ما از طرف همکاران کیهان نشین سؤال می کنیم که شما چطور به خود اجازه می دهید یک آیت الله را حجت الاسلام لقب بدهید؟! تشخیص اینکه چه کسی آیت الله است و چه کسی حجت الاسلام، در صلاحیت ما و شما خواننده محترم نیست. عزیزان کیهانی از عهده این کار بر می آیند، به ویژه آن که چون این القاب نباید ثابت بماند تشخیص آن بسی مشکل تر می شود، مثلاً ممکن است کسی روزی آیت الله شود و روز دیگر حجت الاسلام، و باز دوباره آیت الله بشود و مجدداً حجت الاسلام بنابرین کنترل دائمی این نوسانات و تغییرات کار دشواری است که در تخصص هر کس نیست!»

خط کشی قرمز و آبی در میان جناح ها

روزنامه کیهان، ۱۳ اردیبهشت ماه، در ستون «اخبار ویژه» خود نوشت که، عبدالله نوری در جمع تعدادی از اعضای دفتر تحکیم وحدت سخنانی به این مضمون مطرح کرده است: «ما برای پیروزی بر رقیب، تصمیم گرفته ایم که بحث جناحی و خط کشی جناحی را به شکل جدی تعقیب کنیم و جامعه را به قرمز و آبی تقسیم و زمینه حذف آنان را برای همیشه فراهم کنیم! اما عده ای از همراهان نتوانستند در این طرح با ما همراهی کنند و بحث های مختلفی مانند مصلحت و عاقبت نظام و منافع ملی را مطرح می کردند و حتی گاهی خود ریاست جمهوری کوتاه می آمدند که ما مجبور می شدیم مشاوره هایی به ایشان بدهیم. اینها شاید باعث اختلاف نظر در جبهه دوم خرداد گردد و عده ای از شعارهای داده شده عقب نشینی نمایند.» به گفته کیهان نوری این پاسخ را در پرسش به سئوالی درباره سخنان اخیر کروی که گفته بود: «یکی از خطرات مهم برای انتخابات مجلس ششم بروز اختلاف در جبهه دوم خرداد است»، بیان کرده بود.

مفاهیم «لغزنده، دوپهلو» و «ظنرانک»

غروی، از مدرسین حوزه علمیه قم، و سخنران پیش از خطبه های این هفته نماز جمعه تهران، در سخنانی ضمن حمله به تشریاتی که سخن از آزادی می زنند، و ضمن هشدار باش درباره «خطر استحاله فرهنگی» که جامعه را تهدید می کند، از جمله گفت: «رهبران و خواص جامعه که جمعیتی را به دنبال خود حرکت می دهند باید در معارف دینی عمق داشته باشند در غیر این صورت دچار التقاط و استحاله فرهنگی خواهند شد و جامعه را نیز به همین بلا گرفتار خواهند کرد. باید دقت کرد که مفاهیم بسیار لغزنده هستند و مفاهیمی مانند آزادی، انسانیت، کرامت انسان، ارزش انسان، مفاهیمی لغزنده و دوپهلو هستند، بنابراین به تفسیری که در این خصوص ارائه می شود، توجه داشت... عده دومی که خطر بزرگی برای جامعه امروز ما محسوب می شوند کسانی هستند که در تقوای عملی ضعف دارند و از نظر

تسلط بر نفس قوت چندانی ندارند. اینها ممکن است کتاب ها بنویسند، سخنرانی ها داشته باشند و مقالات گوناگونی ارائه بدهند و چه بسا از نظر ظاهری نیز، نوشته ها و گفته های آنان بسیار زیبا، شیک، لوکس و فریبنده جلو کند... در شرایط کنونی دشمنان این مرز و بوم مصمم اند که انقلاب و نظام اسلامی ما را از بعد فرهنگی مغلوب کنند تا به سایر ابعاد و جهات نظام ما مسلط شوند.»

غروی در این سخنان بی سرو و ته روشن نکرد که بالاخره این همه مدرس حوزه علمیه، با این همه امکانات و همه این «آیات عظام» چگونه نمی توانند با تهاجم فرهنگی چند نویسنده مقابله کنند و این چنین هراسناک از قلم اهل اندیشه و تفکر فریاد «وا اسلاما» سر داده اند و تنها راه نجات را «گردن زنی» و «زبان بری» اهل قلم و نظر می دانند!

«محاکمه» سردار شکنجه و جنایت

«محاکمه» غلامرضا نقدی، فرمانده حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی و سه تن دیگر از مأموران حفاظت اطلاعات، در پشت درهای بسته آغاز شد. در حالی که به استناد دادنامه دادستانی، نقدی متهم به: «۱. لغو دستور مقام قضائی در ارتباط با نگهداری متهمان در سلول انفرادی؛ ۲. آمریت و مشارکت در اذیت و آزار متهمین جهت اخذ اقرار؛ ۳. دستور بازداشت غیر قانونی؛ ۴. گزارش خلاف واقع؛ ۵. افترا و اهانت، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی» است، رئیس دادگاه تشخیص داد که محاکمه باید پشت درهای بسته و بدون حضور مردم یا خبرنگاران برگزار شود تا بدین ترتیب «سردار نقدی» بتواند با دفاع «شجاعانه» از خود و قاعدتاً با اظهار همدردی دادگاه، رئیس دادگاه و دادستان محترم با کمترین مجازات ممکن به سر کارهای خود یعنی «حفظ نظام» برگردد و در کنار فرمانده «گردن زن و زبان بر» سپاه مورد تقصد «رهبر» قرار گیرد.

بی شک جرم سردار نقدی و امثال او که در میان صفوف نیروهای انتظامی و سرکوبگر بسیاریند تنها آزار و اذیت شهرداران تهران نیست.

این جنایتکاران در سال های اخیر صدها زندانی سیاسی را تا حد مرگ شکنجه و آزار داده و آنگاه وحشیانه قتل عام کرده اند. نقدی ها و امثالهم همان «سربازان گمنامی» اند که در بیست سال حکومت رژیم «ولایت فقیه» همچون لاجوردی ها، رازینی ها، و ده ها شکنجه گرد دیگر پرونده سیاه و ننگینی از جنایت بر ضد مردم میهن ما را با خود به همراه دارند و دیر یا زود در دادگاهی علنی و عادل به سزای اعمال ننگین خود خواهند رسید.

ادامه انسان بر فراز زمانه ...

فراوانند. در تاریخ میهن کهنسال مایران نیز، با همه افت و خیزها، چنین انسان های برجسته ای، که برخی چهره ای نامدار و کم نظیر در مقیاس جهانی اند، فراوان به چشم می خورد. مزدک بامدادان، بابک خرم دین، بزرگمهر بختگان، عین القضاة همدانی، منصور یورحلاج، گیابزرگ امید، قره العین، ستارخان، ارانی، سیامک، کیوان، روزبه، انوشه، حکمت جو، غیاثوند، هاتقی، سیمین، و ... از زمره این شخصیت ها اند.

خسرو روزه از آن دسته جان های شایسته ای است که، چون ققنوس خود را به آتش می کشد، تاراه عدالت، آزادی و انسانیت، راه خرد و حقیقت روشن بماند. روزه در تاریخ ترین سال های پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با یشار جان و هستی خود، روشنائی بخش پیکار محرومان و زحمتکشان شد، و روح تازه ای در کالبد جامعه دمید، جامعه ای که زیر فشار مهیب سرنیزه دچار هراس و ناامیدی بود. بی سبب نیست که با گذشت چهل و اندی سال، کماکان نام روزه و راه و عمل تاریخی او گرمی بخش و الهام دهنده همه مبارزان راه خوشبختی انسانهاست! چهره و شخصیت تاریخی خسرو روزه به ایثار و حماسه مقاومت او محدود نیست. حماسه او در زندان، دادگاه نظامی و میدان اعدام، نتیجه منطقی زندگی پربار، صادقانه و سرشار از ایمان شورا انگیز وی است. خسرو روزه اندیشمندی زرف نگر، و در محدوده تخصصی خود صاحب نظر قلمداد می شد. از او در تمام دوران زندگی ۴۱ ساله اش، ۳۶ جلد تالیف و ترجمه در زمینه های تخصصی و نظامی، ادبی، فلسفی، سیاسی و کتب و جزوات متعددی در زمینه شطرنج باقی مانده است و این نشان دهنده خلاقیت و استعداد شگرف این فرزند گرامی توده ها است. او با چنین استعدادی می توانست زندگی خصوصی توأم با رفاه و آرامشی برای خود پدید آورد. اماروح حساس، جستجوگر و حقیقت جوی روزه، او را در مسیر مبارزه برای سعادت همگان کشانید و در ادامه این مسیر او به سبیل انسان های آرمان خواه بدل گردید.

روزه، در دفاعیات خود، از جمله چنین می گوید: «اگر عاشق و شیفته رژیم سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری آن را بر سایر رژیم ها احساس کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آرزوی تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد بنای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تأمین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است... من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم، و همه تار و پود وجودم توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم... خسرو روزه و امثال او خواهند مرد، ولی به هر تقدیر راه حزب توده ایران تعقیب خواهد شد و به ثمر خواهد رسید... حزب توده ایران این افتخار دارد که قائم به نیروی توده های ملت است و به خاطر منافع مردم تلاش می کند، و چون نیروی ملت ها پایان و زوال ناپذیر است، حزب توده ایران نیز زوال ناپذیر خواهد بود و ماموریت تاریخی خود را عمل خواهد کرد. روزه تجسم روح شعله ور انسان در پیکار برای خوشبختی است. او یکی از عالی ترین نمونه های این امر در مقیاس جهانی است. روزه انسان است و برای زمانه خود، و تندیس تابناکی است برسکوی بلند تاریخ! نام خسرو روزه و الهام آزاره و قهرمانی او، در اوضاع کنونی، که در مقیاس جهانی، سرمایه داری با تبلیغ فردگرایی (اندیویدوالیسم) که پرستش پول و بوجی را نیز در برمی گیرد، و در داخل کشور ارتجاع حاکم، با ترویج خرافه و جهل سعی در کشتن روحیه زنده، شاداب و پیکار جو دارد، اهمیتی دوچندان کسب می کند. از او بیاموزیم، باید در راه خوشبختی توده ها همچون او امثال او، در لحظه های بزرگ و گرهی تاریخ، از لحظه انتخاب میان تسلیم و وفاداری، خود را به آتش کشید و در درگ های زمانه جاری شد. ایثار انسان آرمان خواه، چراغ فروزان راه خوشبختی است، در لحظه های بزرگ و تعیین کننده تاریخ، ایثار، ریگانه سلاح کارآمد مبارزه است.

بقول شاعر نامدار مردم ایران، ا. ه. سابع:

تو عجب تنگه عابر کنشی ای معبر عشق که به خبر کشته عاشق نکند از تو عبور

در سالگرد شهادت خسرو روزه باره و آرمان های اویمان دوباره می بندیم.

درد آتشین بر خسرو روزه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی مردم ایران!

۱. واژه ها از استاد ارجمند امیر حسین آریان پور می باشد. رجوع شود به کتاب وی تحت عنوان «بزرگ مردان تاریخ»

«قرارداد صلح»، یا کاپیتولاسیون! چرا یوگسلاوی قرار داد را امضاء نکرد؟

ماشین تبلیغاتی امپریالیسم در ماه های اخیر با استفاده از کنترل بلا منازع رسانه های خبری جهانی سعی داشته است که دلیل اصلی جنگ در بالکان را کوتاه نظری دولت یوگسلاوی در عدم قبول «قرارداد صلح» رامبویه در بهمن ماه گذشته جلوه دهد.

آنچه که رسانه های خبری سرمایه داری در همه کشورها از آن ظفره رفته اند، انتشار مفاد مورد مخالفت یوگسلاوی در «قرارداد صلح» است که توسط ایالات متحده برای نقض خشن استقلال این کشور طرح شده بود. رسانه های غربی «قرارداد» را صرفاً مکانیزمی برای حفظ صلح و تضمین خودمختاری منطقه کوسوو می دانند، که هیچ تهدیدی برای حاکمیت و تمامیت یوگسلاوی محسوب نمی شود.

حقیقت اینست که «قرارداد رامبویه» اشغال نظامی تمامی یوگسلاوی، و نه فقط کوسوو، را از سوی ناتو مجاز می داند. این قرارداد به نیروهای ناتو اختیارات بی سابقه ای را در ورود و خروج و عملکرد بلا منازع در تمامی خاک جمهوری فدرال یوگسلاوی می دهد که در ضمیمه «ب» قرارداد که هیچ گاه از سوی رسانه های خبری غربی انتشار نیافت، به روشنی ملحوظ شده است. «ماده ۸» ضمیمه «ب» تصریح می کند که، پرسنل و تسهیلات پیمان ناتو «شامل وسائط نقلیه، کشتی ها، هواپیماها و تجهیزات دیگر می تواند آزادانه، بدون هیچ گونه ممانعتی و بدون محدودیت در محورها، در سراسر یوگسلاوی بحرکت در آید...»

بر طبق مفاد این قرارداد، در نقض تمامیت ارضی یوگسلاوی، منطقه کوسوو در تحت شرایط ویژه ای قرار می گیرد که کنترل آن عملاً در اختیار واحدهای نظامی ناتو بوده و، اینکه پس از سه سال مذاکرات بر سر وضعیت نهایی کوسوو از سر گرفته خواهد شد. در ادامه، برای روشن شدن جوانبی از قرارداد، که به دلیل خدشه دار کردن تمامیت ارضی این کشور مورد مخالفت دولت یوگسلاوی بوده است در زیر آورده می شود:

ضمیمه «ب» قرار داد رامبویه، مربوط به نظامنامه نیروهای نظامی چند ملیتی برای اجرا قرارداد.

ماده ۶-آ - پرسنل ناتو در مقابل کلیه روندهای قضائی چه مدنی، چه اداری یا جنائی مصونیت دارند.

ماده ۶-ب - پرسنل ناتو در کلیه موارد و در هر لحظه ای، در برابر طرف های مقابل (صرب و کوزوو) در رابطه با مسائل قضائی مربوط به امور شخصی، اداری و یا جنائی که در داخل یوگسلاوی قابل اجراست دارای مصونیت اند. طرفین باید دولت های مشارکت کننده در عملیات را باری رسانند.

ماده ۶-ث - معهداً آنچه که مقدم است و در هر مورد، با موافقت صریح فرماندهی ناتو، مقامات یوگسلاوی استثناً می توانند اختیارات قضائی خود را به اجرا در آورند...

ماده ۷- پرسنل ناتو باید از هر نوع بازداشت، بازجویی و زندانی شدن توسط مقامات یوگسلاوی مصون باشد. پرسنل ناتو که به طور غیر موجه توقیف یا تحت پیگیری (بازداشت شده) قرار گرفته اند باید فوریت به مقامات ناتو تحویل داده شود.

ماده ۸- پرسنل ناتو، وسائط نقلیه، تجهیزات آبی (کشتی ها)، هواپیماها و تجهیزات باید از یک رفت و آمد آزاد و بدون قید و شرط در سراسر یوگسلاوی و از دسترسی بلا مانع از فضای هوایی و رودخانه هایش برخوردار باشد. این امر بدون محدودیت، حق اطراق، مانور، استقرار و استفاده از قرارگاه ها و یا تسهیلات لازم برای حمایت از نقل و انتقال و عملیات نظامی نیز شامل است.

ماده ۹- ناتو از کلیه عوارض و مالیات های دیگر، از مقررات و بازرسی های گمرکی و از جمله بازرسی روی آذوقه و ذخائر غذایی و سایر تشریفات گمرکی متداول معاف است. این امر شامل پرسنل، وسائط نقلیه، ناوگان، هواپیماهای تجهیزات و تدارکات (آذوقه و مهمات) ورودی (به یوگسلاوی) و یا خروجی و یا در گردش در خاک یوگسلاوی که به منظور حمایت عملیات صورت می گیرد، نیز است.

ماده ۱۰- مقامات یوگسلاوی باید با رعایت حق تقدم برای ناتو و بکارگیری کلیه وسائط ویژه کلیه آمد و رفت پرسنل، وسائط نقلیه، ناوگان، هواپیماها، تجهیزات یا تدارکات در سرزمین و یا فضائی هوایی، بنادر و فرودگاه ها را تسهیل کند. هیچ گونه هزینه برای رفت و آمد های هوایی، فرود آمدن و یا برخاستن هواپیمائی چه دولتی باشد و چه کرایه ای نباید به ناتو تعلق بگیرد. همچنین هیچ گونه حق سهم یا عوارض دیگر راه داری، مالیات برای آمدن کشتی های ناتو به یک بندر و یا عزیمت از آن، چه دولتی باشد و چه کرایه ای نمی تواند دریافت شود. وسائط نقلیه کشتی ها و هواپیماها می که برای پشتیبانی عملیات (نظامی) مورد استفاده اند نباید تابع مقررات اجازه نامه یا مقررات ثبت و درج و یا بیمه تجاری قرار گیرند.

ماده ۱۱- ناتو حق تضمین استفاده از فرودگاه ها، جاده ها، راه های آهن و بنادر را بدون پرداخت حق بیمه و حق سهم، عوارض، راهداری و مالیات های انضافی، برای بهره برداری عادی را دارد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه بحثی پیرامون توسعه اقتصادی ...

مبارزات خواهد داشت. اعتصاب‌های بی در پی و در حال نضج گیری اخیر زحمتکشان کشور، از علائم اولیه و اصلی جنبش توده‌ها در راستای تحقق عدالت اجتماعی به حساب می‌آید. وظیفه اصلی رژیم ولایت فقیه نیز، همانند رژیم شاهنشاهی گذشته، تداوم نظام اقتصادی موجود، یعنی مالکیت و تقسیم غیر عادلانه ثروت‌های جامعه بر اساس نظام سرمایه داری و در چهارچوب طبقاتی است.

مسئله مبارزات سیاسی در سیر تغییرات روبنای سیاسی-اجتماعی امری حیاتی و بسیار مهم در کل روند تحول جامعه است، و در یک تجزیه و تحلیل علمی اقتصادی-سیاسی، نمی‌توان رابطه میان تغییرات روبنایی و زیر بنایی اقتصادی را از نظر دور داشت. البته در این میان، تشخیص و تعیین جهت و ماهیت تغییرات روبنایی از مهم‌ترین عوامل تاکتیکی مبارزه نیروهای مترقی است. بنابراین هر نوع تغییر اساسی روبنایی سیاسی را باید در رابطه با زیر بنای اقتصادی موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. واضح است که مقوله جامعه مدنی نمی‌تواند فقط در چهار چوب تغییرات روبنایی سیاسی خلاصه شود، و جامعه مدنی واقعی تنها بر اساس یک زیر بنای اقتصادی عادلانه می‌تواند وجود داشته باشد. کم رنگ شدن و یا حتی محو کامل استبداد مذهبی و استقرار برخی آزادی‌های محدود اجتماعی را نمی‌توان شرط کافی ظهور یک جامعه مدنی دانست، و باید دید که تغییر و جا به جایی اهرم‌های قدرت به چه دلیل و هدفی دنبال می‌شوند. مهم‌تر آنکه تا زمانی که اکثریت عظیم مردم کشور ما در چنگال فقر و بی‌عدالتی به سر می‌برند، بحث و تفسیر مقولاتی مانند جامعه مدنی تأثیر مستقیم و فوری در زندگی آنها نخواهد داشت، و تداوم نظام اقتصادی موجود و پیوند آن با نظام سرمایه داری جهانی مشروط به استفاده از حربه سرکوب و اعمال دیکتاتوری خواهد بود.

در ایران در حال حاضر، با وجود آزادی نسبی برای جناح‌ها و گروه‌بندی‌های سیاسی وابسته به رژیم، می‌بینیم غالب بحث‌های مقام‌های دولتی و مفسرین اقتصادی، نه فقط فاقد تجزیه تحلیل اقتصاد سیاسی بوده، بلکه نظام سرمایه داری جهانی و مخصوصاً شکل کنونی آن، یعنی بازار آزاد جهانی، بندرت از نقطه نظر منافع مردمی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. اغلب کارشناسان اقتصادی دولت بدون آرایه کوچک‌ترین مدرک و بحث اقناعی در مورد اقتصاد بازار آزاد و نظام سرمایه داری جهانی، مدعی‌اند که تسلیم میهن ما در برابر این نظام تنها راه نجات ایران از بحران اقتصادی کنونی است. مطبوعات کشور مملو از این نوع بحث‌هاست. برای مثال، آقای میرهادی سید، کارشناس ارشد مسایل اقتصادی ایران، بدون در نظر گرفتن اثرات مخرب اقتصاد بازار جهانی در کشورهای جهان سوم (مانند ایران)، تنها به دلیل الحاق بسیاری از کشورهای دیگر به سازمان تجارت جهانی (WTO) و غوطه ور شدن این کشورها در اقتصاد بازار، مدعی است میهن ما باید با آغوش باز اقتصاد بازار را بپذیرد، و بدون ارائه هیچ دلیل علمی و قابل اتکایی، گسترش اقتصاد بازار و پیوند هرچه بیشتر آن با سرمایه داری جهانی را، بنا به نرخ روز، پیش شرط ظهور جامعه مدنی می‌داند (میهن، ۲۰ دی ۱۳۷۶).

البته در این مقالات هیچ‌گاه رابطه میان زیر بنای اقتصادی و روبنای سیاسی این کشور، و مخصوصاً توسعه عدالت اجتماعی و دموکراسی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرند. اغلب این مقالات حاوی بحث‌های بسیار تجریدی و کلی‌گویی‌هایی پیرامون رابطه رشد دموکراسی و بازار آزاد بوده، و به استناد به نمونه‌های ایده‌آلیستی از دموکراسی، از دموکراسی پارلمانی و سرمایه داری پیشرفته در کشورهای غربی، بدون توجه به عدم ارتباط آن به وضع میهن ما، اقتصاد بازار را به عنوان مدینه فاضله‌ئی برای آینده ایران تجویز می‌کنند. در این بحث‌ها هیچ نمونه مشخصی از کشورهای جهان سوم در ارتباط با توسعه دموکراسی و عدالت اجتماعی و زیر بنای اقتصادی سرمایه داری در این کشورها عرصه نمی‌شود. البته واقعیات موجود، نظیر تجربه کشورهایمانند اندونزی، کشورهای آمریکای لاتین و بسیاری دیگر، به ما نشان می‌دهد که رابطه‌ئی مستقیم و معکوس میان توسعه دموکراسی و سیاست نولیبرالی اقتصاد بازار وجود دارد.

یک نگاه گذرا به نشریات مجاز و سخنرانی‌های مقامات ریز و درشت رژیم «ولایت فقیه» نشان می‌دهد که این گفتارها و نوشتارها تماماً در سمت گیری به سوی نظام سرمایه داری است. مسلمانان تجزیه و تحلیل تک تک این بحث‌ها بیهوده و خارج از حوصله این مقاله است، ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که، گذشته از معدود بحث‌های آکادمیک که دارای محتوای علمی بوده (به همراه خود سانسوری برای جلوگیری از عنوان توده‌ای یافتن) بقیه نوشتار و گفتار مجاز در میهن ما در راستای معرفی اقتصاد بازار، خصوصی سازی و اعاده حیثیت نظام سرمایه داری و اعمال سیاست نولیبرالی‌اند. جهت اصلی این بحث‌ها دنباله روی از تبلیغات و نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول بوده که در آن تقدس بخش خصوصی و مطیع

بودن زحمتکشان اشاعه داده شده و خواست‌ها و حقوق زحمتکشان دشمن رشد اقتصادی معرفی می‌گردد. برای مثال، مقاله نشریه میهن (۵ مهر ۱۳۷۶) بی‌خبر از افتضاح و سقوط وحشتناک اقتصاد کشورهای جنوب شرقی آسیا، پیشرفت‌بیرهای آسیا را مدیون بی‌توقعی و کار ارزان نیروی کار این کشورها می‌داند، و در مقابل با توهین به زحمتکشان میهن ما آنها را متهم به تنبلی می‌کند و عامل عقب ماندگی اقتصاد می‌داند: «... جدا از عده‌ای که خوب کار می‌کنند اغلب کارمندان و حقوق بگیران در فکر فرار کردن و تراشیدن بهانه برای انجام ندادن کار هستند...»

تبلور نهایی این نوشتار و سخنرانی‌ها و به اصطلاح بحث‌های اقتصادی در یک ساله گذشته در مدح سیاست اقتصاد بازار، نولیبرالیسم و الویت دادن به سرمایه و امنیت آن را می‌توان به وضوح در «طرح ساماندهی اقتصاد کشور» (۹ مرداد ۱۳۷۷) رئیس جمهوری، خاتمی دید. در دو بند اول این طرح، بعد از تعارفات همیشگی جمهوری اسلامی با زحمتکشان و تمامی مردم ایران، در مورد سراب عدالت اجتماعی ایران (برای مثال در بند دوم سیاست‌های اقتصادی می‌خوانیم: تقدم عدالت اجتماعی - در برنامه توسعه استقرار عدالت اجتماعی - سیاست همیشگی نظام جمهوری اسلامی است!!) می‌بینیم که اساس و جهت اصلی آن گسترش هرچه بیشتر سرمایه داری، مخصوصاً جلب سرمایه خارجی به همراه انقباض نقش دولت در برنامه ریزی مرکزی کشور است. در این طرح اقتصادی، نه فقط از معضلات سرمایه داری جهانی و مشکلات کنونی کشور ما در مقابل آن و مخصوصاً از زورگویی و تحمیل امپریالیستی سیاست نولیبرالیسم بر کشورهای جهان سوم از جمله ایران صحبتی نمی‌شود، بلکه قبول و لزوم گسترش بازار آزاد بر پایه سیاست نولیبرالیسم و نسخه‌های اقتصادی صندوق جهانی پول به عنوان تنها راه برون رفت از بحران اقتصادی، کاملاً مشهود است. در ایران در حال حاضر، با وجود آزادی سیاسی نسبی بسیار محدود در بین جناح‌های مختلف می‌بینیم به دلیل منافع گروهی کلان سرمایه داری تجاری و بوروکراتیک هسته اساسی بحث‌های اقتصادی در جهت اقناع، تشویق و ناگزیری تسلیم در مقابل سرمایه داری جهانی است. متأسفانه باید گفت عکس العمل بخش اعظم نیروهای اپوزیسیون (حتی بعضی از نیروهای چپ سابق) در مقابل نظام سرمایه داری و سیاست نولیبرالیسم، در بهترین وجه، برخوردی منفعل به مسئله زیر بنای اقتصادی ایران و در بدترین وجه هم نویایی با برنامه‌های اقتصاد بازار، تعدیل و خصوصی سازی رژیم است. با در نظر گرفتن عملکرد سرمایه داری در چند دهه اخیر در میهن ما و اثرات بسیار منفی شکل کنونی سرمایه داری جهانی بر منافع توده‌های زحمتکش در تمامی جهان، و مخصوصاً تجربه دیگر کشورها در اعمال سیاست اقتصاد بازار و نولیبرالیسم می‌توان این سوال پایه‌ای را مطرح کرد که، آیا پی ریزی زیر بنای اقتصاد کشور ما بر پایه پیوند هر چه بیشتر با سرمایه داری جهانی به نفع مردم میهن ما خواهد بود؟ و اینکه، اعمال سیاست نولیبرالیسم و گسترش سرمایه داری در کشور ما چه عواقبی را به همراه خواهد داشت؟ هر نیروی سیاسی جدی در میهن ما باید بتواند در برابر این سئوالات موضعی مشخص و اصولی اتخاذ کند.

سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی، بنا به بافت طبقاتی آن، کاملاً در سمت گیری به سوی نظام سرمایه داری بوده و خواهد بود. تأمین امنیت و تشویق سرمایه، بنا به موازین نظام سرمایه داری جهانی، استخوان بندی سیاست اقتصادی آن را تشکیل می‌دهد. تقریباً تمامی جناح‌های سیاسی در رژیم «ولایت فقیه» از نظر پایه‌ای موافق گسترش نظام سرمایه داری بوده و اختلافات سیاسی روبنایی است که باعث عدم همکاری آنها در برخی زمینه‌ها می‌شود.

در اینجا سخنان آقای جناب باصفت، در ستون یادآوری روزنامه توقیف شده جامعه (۲۰ خرداد ۱۳۷۷) جالب توجه است: «با توجه به اینکه اقتصاد ملی در وضعیت دشوار است و نمیتوان تا زمان پایان گرفتن مجادله‌های سیاسی برای بیرون بردن از تنگناها صبر کرد. لازم است تا گروه‌های سیاسی که هر کدام بخشی از قدرت را در دست دارند به یک توافق در باره امنیت اقتصادی دست یابند.» آقای جناب باصفت، در جواب دبیرکل جمعیت موفته اسلامی در مورد حفظ قدرت خرید محرومان و پابرهنگان، می‌نویسد: «کارشناسان و مسئولان و فعالان اقتصادی بخوبی می‌دانند که در وضعیت فعلی دولت سرمایه‌ای ندارد که به تن اقتصاد سرازیر کند و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، داخلی و خارجی باید این ناتوانی دولت را جبران کنند... و هر فرد با انصاف دیگر می‌داند که سرمایه‌گذاران در شرایط ناامن سیاسی هرگز خطر نمی‌کنند تا سرمایه‌های خود را آشکار سازند» (جامعه، ۲۶ خرداد ۱۳۷۷). در اینجا این سؤال مهم پیش می‌آید که، چرا دولت جمهوری اسلامی «سرمایه‌ای» ندارد، و تقدینه بسیاری از سرمایه‌های داخلی از کجا آمده است؟ جواب به این سوال واضح است، مگر غیر از این است که بخش عظیمی از ثروت مردم (سرمایه دولتی) به واسطه منافع گروهی کلان سرمایه داری تجاری و بوروکراتیک رژیم «ولایت فقیه» به جیب بخش

سایه سنگین فقر بر زندگی مردم ایران



فقر روبه گسترش در جامعه کنونی ایران به پدیده‌ی فراگیر و همگانی بدل شده است. گزارش‌ها و آمار و ارقام مختلفی در این باره انتشار یافته که، ژرفای فاجعه را به خوبی آشکار می‌سازد. روزنامه صبح امروز، در تاریخ ۲۹ دی ماه سال گذشته (۱۳۷۷) در گزارش کوتاهی تحت عنوان «۸۰۰ تن برنج غیرقابل مصرف در بندرعباس دفن شد» نوشته بود: «مدیرعامل شرکت بهمن گستر بندرعباس وابسته به وزارت بازرگانی تأیید کرد، این مقدار برنج (۸۰۰ تن) با تأیید دادستانی و مجوز دامپزشکی غیرقابل مصرف تشخیص داده شد و معدوم شد، محل دفن برنج غیرقابل مصرف در حوالی قبرستان قدیمی بندرعباس واقع در دو کیلومتری این شهر می‌باشد، پس از دفن ۸۰۰ تن برنج گروهی از مردم تهیدست با تصور سالم بودن برنج، اقدام به جمع آوری آن از زیر خاک وزباله ها کردند.» این گزارش رسمی، در یک روزنامه متعلق به جناح‌های حاکمیت، ابعاد فاجعه آمیز فقر را در جامعه امروز ایران نشان می‌دهد. هزاران انسان تهیدست و گرسنه به قبرستان قدیمی هجوم می‌برند و از زیر خاک وزباله برنج آلوده و فاسد را جمع آوری می‌کنند. این صحنه تکان دهنده، تصویر زندگی مردم میهن مادر رژیم قرون وسطایی فقها است. گزارش‌ها در این زمینه کم نیست. روزنامه جمهوری اسلامی در اوایل اسفندماه ۱۳۷۷، طی مطلبی، به صراحت تأکید کرد: «قیمت انواع میوه ها و صیفی جات در مراکز فروش تره بار به قدری بالا است که، عموم خانواده ها که از اقشار متوسط و محروم جامعه هستند، حتی هفتگی قادر به خرید چند کیلو میوه نیستند.» و باروزنامه سلام ۱۹ اسفندماه سال گذشته، پیام یکی از خوانندگان خود را منتشر ساخت، در این پیام گفته شده بود: «ما از این گرانی مردم، پریزیم، داغان شدیم، همه چیز ما، دین ما، ایمان ما، سلامتی مادر خطرناست، آخرین چه وضعی است.» «آخرین چه وضعی است»، پرسش بجای میلیون‌ها مردم میهن ما از سران رژیم ولایت فقیه است! پاسخ این پرسش کاملاً روشن است. این وضع نتیجه سیاست‌های ضد ملی و ضد مردمی رهبران جمهوری اسلامی است. بعلاوه این وضعیت، نه گذر از موقتی است، آنچنان که خاتمی وعده می‌دهد، و نه تصادفی و توطئه استکباری است که رفسنجانی و خامنه‌ای اعلام می‌دارند. شرایط فاجعه بار اقتصادی-اجتماعی کنونی، نتیجه مستقیم برنامه‌هایی است که رژیم ولایت فقیه به پیروی از دستورات صندوق بین‌المللی پول در کشور به اجرا درآورد، و همچنان با عناوین جدید و پرطمطراق در حال اجرا شدن است. پیامدهای این سیاست از جمله همین فقر فراگیر و گسترده است. روزنامه آریا در تاریخ دوم اسفندماه ۱۳۷۷، در ارتباط با سقوط درآمد سرانه در ایران طی دوده گذشته، به نقل از برخی کارشناسان اقتصادی نوشت: «در سال ۱۳۵۸ درآمد سرانه ایران حدود ۲۲۰۰ دلار بود، در حالی که در سال ۱۳۷۵ با در نظر گرفتن قیمت‌های ارز یعنی ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار، درآمد سرانه به حدود ۵۰۰ دلاری یعنی یک چهارم سقوط کرده است.»

فقر و زرفش شکاف طبقاتی، پیامد مستقیم عملکرد رژیم ولایت فقیه در عرصه‌های اقتصادی-اجتماعی است. با فروپاشی توان تولیدی در صنعت و کشاورزی در رشد اقتصاد دلالی، ثروتمندان، ثروتمندتر و فقرا، فقیرتر شده‌اند. در این باره اعترافات علیرضا محجوب، نماینده رژیم در مجلس و دبیرکل خانه کارگروا بسته به جمهوری اسلامی، جالب و شنیدنی است. وی در مصاحبه با مطبوعات خارجی که در اسفندماه انجام شد، از جمله معترف می‌گردد: «وضعیت کارگران روز به روز بدتر می‌شود، فاصله طبقاتی عمیقی میان اغنیاء و فقیران پدید آمده است... بعد از انقلاب ثروتمندان دوباره قدرت را در دست گرفتند، میزان و سطح رفاه طبقه متوسط تنزل کرد و در حال حاضر بارزهم میان اقشار مرفه و محروم فاصله زیادی ایجاد شده است، ثروتمندان همچنان ثروتمند و فقرا روز به روز فقیرتر می‌شوند...» وی با اشاره به نتایج فاجعه آمیز خصوصی سازی تأکید کرد: «شرکت‌های دولتی میان دوستان، بستگان و دست‌اندرکاران حکومت تقسیم شده است...»

ثروت اندوزی یک طبقه انگلی در جامعه امروز ایران، در شرایطی صورت می‌پذیرد که اکثریت مطلق حقوق بگیران نه تنها دستمزدی مطابق نرخ واقعی تورم دریافت نمی‌

کنند، بلکه با زرفش بحران مالی در سال گذشته، حتی دستمزد خود را بر سر موعود و به طور ماهیانه دریافت نکرده‌اند. میلیون‌ها کارگر و کارمند در بخش‌های مختلف با اعتراض‌های گسترده خواستار دریافت بموقع حقوق خود می‌اند. در آستانه سال نو و عید باستانی نوروز که برای مردم میهن ما جایگاه برجسته و بی‌بدیلی دارد، سایه فقر سنگین خود را بر زندگی زحمتکش‌ان و عموم حقوق بگیران افکند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی در گزارشی از سیر صعودی بهای اجناس، در تاریخ ۲۴ اسفندماه سال گذشته، اعلام کرد: «قیمت خرده فروشی گوشت قرمز و گوشت مرغ در تهران طی هفته منتهی به ۱۴ اسفندماه، نسبت به هفته قبل به ترتیب ۷۱ درصد افزایش یافت.» همچنین بر اساس این گزارش، قیمت برنج، حبوبات، میوه‌های تازه، چای، روغن نباتی در شهر تهران به ترتیب ۱/۵، ۱/۴، ۱/۲، ۱/۵، ۱ و ۵ درصد نسبت به هفته مشابه قبل افزایش داشته است. (افزایش در طول فقط یک هفته) برای پی بردن به فاجعه فقر، کافی است به گزارش روزنامه کیهان که به تاریخ ۲۴ اسفندماه، در آستانه نوروز، منتشر شده استناد کرد. این گزارش تحت عنوان «گلایه مردم از عرضه جنس نامرغوب در میادین میوه و تره بار شهرداری و برخورد نامناسب فروشندگان» در روزنامه مزبور درج گردید. یادآوری می‌شود که، خریداران از میادین تره بار شهرداری، کارمندان، دبیران، آموزگاران، اساتید دانشگاه‌ها و به طور کلی قشرهای متوسط و کم درآمد کنونی جامعه ایران‌اند. در گزارش قدیمی می‌شود: «یک کارمند با سابقه می‌گوید میدان تره بار برای عموم مردم است و آنطور که شهرداری اعلام کرده، غرفه داران می‌توانند محصولات درجه یک، درجه دو، و درجه سه داشته باشند، اما در اینجا درجه بندی محصولات خراب و فاسد است، ما مجبوریم چنین جنسی را خریداری کنیم، توان مالی نداریم... شخص دیگری که او نیز از مزه حقوق بگیران است خاطر نشان می‌سازد، به مشتری بی حرمتی و بی احترامی می‌شود، صحیح نیست به خاطر نداشتن بنه مالی، شخصیت انسانی خریداران تحقیر شود، که برای خرید به این میدان‌ها می‌آیند، از قشر حقوق بگیر هستند، افراد محترمی که فقط توان و قدرت مالی آنان محدود است، به خاطر این مشکل تحقیر می‌شوند.»

این است واقعیت زندگی حقوق بگیران در رژیم ولایت فقیه! در چهار گوشه میهن ما، از بندرعباس و کرانه‌های خلیج فارس که مردم برنج آلوده را از زباله و قبرستان‌ها جمع آوری می‌کنند، تا اردبیل، آذربایجان شرقی و لرستان که در شهرها و روستاهای آنها، جوانه زندگی بسیاری از کودکان و نونهالان به دلیل گرسنگی می‌پژمرد، و از خوزستان و گیلان و کردستان و سمنان که در جنبه افعی فقر گرفتارند، و تا تهران این مرکز «ولایت مطلقه» که به انسان‌های زحمتکش و شریف به دلیل عدم توانایی مالی بی حرمتی می‌شود، سایه فقر بر زندگی مردم میهن ماسنگینی می‌کند!

ادامه سیمای «انسانی» سرمایه داری ...

یوگسلاوی ریخته می‌شود از «اورانیم فرسوده» است که در ساختمان موشک‌ها و گلوله‌ها و برای مخرب تر آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. روزالی برتل، یک متخصص کانادایی اثرات «اورانیم فرسوده» را چنین توصیف می‌کند: «اورانیم فرسوده» از زباله‌های رادیو اکتیو که برای سلاح‌های اتمی و صنایع هسته‌ای تولید می‌شود ناشی می‌گردد و می‌تواند زره تانک‌ها را بشکافد و یک گرد مهلک اورانیم را پخش کند که نظیر آن در قبل دیده نشده است. این گرد بطور معلق در هوا می‌ماند و یا توسط باد منتشر می‌شود، به نسج ریه رخنه می‌کند و وارد جریان خون می‌شود، در کبد، کلیه و استخوان ذخیره می‌شود و تمامی انساج ظریف را در معرض تشعشع قرار می‌دهد. این گرد می‌تواند منجر به سرطان شود و یا به رشد سرطان کمک کند. حقیقت اینست که ایالات متحده و بریتانیا در نوعی جنگ هسته‌ای در بالکان درگیرند. در ۱۹۹۶ محکمه حقوق بشر سازمان ملل، «اورانیم فرسوده» را یک سلاح اهدام جمعی شناخت. نظیر نوزادان «عامل نارنجی» در ویتنام، بچه‌های ناقص الخلقه و سرطان زده جنوب عراق، جایی که «اورانیم فرسوده» توسط نیروهای آمریکایی - انگلیسی در جنگ بر ضد عراق در سال ۱۹۹۱ آزمایش شد، شاهدان زنده اثرات جهادهای «نیکوکارانه» غرب‌اند. انسان‌های متمدن باید به فوریت، و قبل از اینکه این آخرین «آرمان اصیل»، بانی قربانیان «قابل قبول» بیشتری شده و منجر به یک جنگ جهانی بشود، در مورد آن موضع بگیرند. هیچ مقدار اخلاقی کردن فریبنده جنگ قادر به پوشاندن ابعاد این جنایت نیست.

ادامه مبارزه و جنبش مستقل کارگران ...

پنجاه سالگی پیمان تجاوز گر

ناتو

رهبان ۱۹ کشور عضو ناتو در روز ۴ اردیبهشت، مراسم پنجاهمین سالگرد پایه گذاری این پیمان نظامی تجاوزگر و دانشگتن برگزار کردند.

پنجاه سال قبل، در زمانی که هنوز آتش دومین جنگ جهانی که سرمایه داری جهانی به دست فرزندان شایسته خویش، جنایتکاران دیوانه ای چون هیتلر بر افروخته بود خاموش نگشته که جهانخوران، با ایجاد بزرگ ترین سازمان تجاوز و جنگ افروزی تاریخ، خود را برای آتش افروزی های دیگر و بیشتر آماده ساختند. آنان در پرورش زاده خود خویش، از هیچ چیز کوتاهی نکرده و از هیچ خرجی دریغ نوزیدند، و پنجاه سال آزرگار در آرزوی آن بودند که قدرت شیطانی این دستگاه منهدم گر و ویران ساز را در جایی مستقیماً به نمایش بگذارند و شهوت جنگ طلبانه خود را به نحوی ارضا کنند.

وقتی اتحاد شوروی بود- با آنکه هدف اصلی نخستین تهاجم به آن کشور بود- جنگ افروزان در مقابل قدرت حریف امکانی برای بهره گیری از زاده خود نیافتند. در آن دوران زیر پرچم سازمان ملل، که همیشه و یا به طور کامل خواسته های آنان را نمی توانست، نه آنکه نمی خواست، بر آورده سازد، به تاخت و تاز و تجاوز می پرداختند. سازمان ملل کاملاً مطیع و فرمانبردار نبود. آمریکا سرکرده تجاوزگران در آخرین بار ناچار شد که به عراق - کیسه بوکس خود - حتی بدون مراجعه به سازمان ملل، کاملاً خودسرانه حمله کند و یا کارخانه دار سازی سودان را با خاک یکسان سازد. پیمان «دفاعی ناتو» که ظاهراً بر مبنای مشور سازمان ملل، که ایجاد سازمان های «دفاعی» «منطقه ای» را مجاز می دانست، تشکیل شد. سازمانی که نه منطقه ایست نام اتلانتیک شمالی را بر خود نهاد که مجوزی باشد که آمریکا و کانادا را از آن سر دنیا به کشورهای سرمایه داری اروپا و حتی ترکیه به این سر دنیا پیوند دهد- و نه دفاعی است- زیر امروز آن باصطلاح «خطری» که اعضای ناتو را می توانست تهدید کند دیگر وجود ندارد.

پیمان ناتو پنجاه سال تمام نتوانست مورد بهره برداری کامل صاحبانش و ژنرال هایشان قرار بگیرد. همگی در بی بهانه بودند و این بهانه را از چند سال پیش خود به دقت آفریدند تا سلاح ها بکار گرفته شوند و عیش خون آشامی شان تا حدی فرو نشانده شود. و امروز شیطان صفتان با چه شادمانی و شغف ویژه ای پنجاهمین سال تولد این موجود نامیمون هراس انگیز را جشن می گیرند! به جای پنجاه شمع که انسان ها برای تولد خود به کار می برند، پنجاه پنجاه و هزاران بار پنجاه با موشک و بمب آتش بازی و آتش افروزی می کنند!

• • •

اجلاس که با حضور مقامات عالی رتبه همه کشورهای عضو ناتو و ۲۳ کشور اروپایی «همراه» برگزار شد، همچنین مراسم ورود رسمی سه کشور اروپای شرقی - لهستان، مجارستان و جمهوری چک - به این پیمان تجاوزگر رسمی بود. در این مراسم، رهبران ناتو یک برنامه و درک استراتژیک را مورد موافقت قرار دادند که به این ائتلاف نظامی امپریالیستی امکان می دهد آزادانه در خارج از محدوده جغرافیایی آن و بدون هیچ توجهی به مصوبات سازمان ملل، عمل کند.

در پاسخ به این سؤال که آیا ناتو برای مداخله در خارج از قلمرو اعضایش، نیاز به قطعنامه شورای امنیت دارد، دبیرکل ناتو، خاورسولانا، پاسخ داد: «نه». ایالات متحده اصرار می ورزد که چین و روسیه، دو عضو دائمی شورای امنیت نباید حق وتوی عملیات ناتو را داشته باشند. با وجود برخی مخالفت های ترکیه، اجلاس رهبران ناتو همچنین بیانیه ئی را در قبول اینکه اتحادیه اروپا نقش نظامی مستقل از کنترل ایالات متحده و کانادا داشته باشد، و همچنین در انجام حملات نظامی، محق شمرده شود، صادر کردند. بیل کلینتون در اظهاراتی در این رابطه گفت: «مادامی که این عملیات، در همکاری با ناتو انجام شود، من فکرمی کنم که این در واقع به ادامه شرکت آمریکا در ناتو کمک می کند.»

گردهمائی، در عمل به اجلاسی برای توافق سران پیمان امپریالیستی در مورد ادامه جنگ بر ضد یوگسلاوی بدل شد. روسیه و بلاروس در اعتراض به بمباران یوگسلاوی در مراسم شرکت نکردند. هزاران نفر از مردم در خارج ساختمان محل برگزاری گردهمائی در واشنگتن، با شعارهای «بمباران را متوقف کنید» و در حالی که پلاکاردهای «ناتو= نازیست ها» را حمل می کردند، دست به تظاهرات زدند.

بر گرفته از اومانیت، ارگان حزب کمونیست فرانسه

به ۲ میلیون کارگر (عمدتاً در کارگاه های کوچک، از جمله نانوائی ها، ریخته گری ها و ...) از زیر پوشش قانون کار و تأمین اجتماعی خارج می شوند. این حرکت در راستای تلاش های ارتجاع برای تغییر قانون کار و از بین بردن قوانین «دست و پا گیر» بر سر راه سرمایه گذاران است. هدف، تأمین بی چون چرای «حق» سرمایه داران برای استثمار وحشیانه و بی حد و حصر است. یکی از پیش شرط های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای وام دادن و تأمین سرمایه گذاری خارجی در ایران، که اقتصاد ورشکسته رژیم سخت محتاج آن است، تأمین بی چون چرای منافع سرمایه داران از طریق از بین بردن برخی حقوق تأمین شده کارگران در چارچوب قانون کار است. مبارزه بر ضد این توطئه رژیم یکی از عرصه های مهم مبارزه است که نیازمند سازمان دهی تشکل های کارگری در سراسر ایران است. سال ۱۳۷۷، یکی از برجست و جوش ترین سال ها، از نظر گستردگی حرکت ها و مبارزه وسیع کارگران بر ضد ارتجاع حاکم بود. صدها حرکت کارگری در گوشه و کنار کشور، که درخشان ترین نمونه آن را می توان حرکت پیروزمند کارگران شهر کاشان ارزیابی کرد، نشان داد که جنبش کارگری کشور می تواند و باید نقش مهم و تعیین کننده ئی را در جنبش عمومی خلق بر ضد رژیم ضد مردمی و کارگر ستیز «ولایت فقیه» ایفاء کند. ضعف اساسی این جنبش هنوز، عدم سازمان یافتگی لازم، پراکندگی، و متمرکز بودن حول شعارهای صنفی است. نیروهای مترقی و خصوصاً کارگران پیشرو می توانند در تغییر این وضع نقش و وظیفه حساسی را بر عهده گیرند. مبارزه برای ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری، مبارزه برای پرداخت دستمزدهای به تعویق افتاده، مبارزه بر ضد تلاش های مجلس ارتجاعی و ضد مردمی شورای اسلامی برای تغییر قانون کار، نبرد برای تحمیل قوانینی در جهت حمایت از حقوق کارگران در کارهای سخت و زیان بخش، خصوصاً باز نشستگی پیش از موعد مقرر، مبارزه در راه متوقف کردن روند خصوصی سازی واحدهای تولیدی، برنامه ریزی برای بالا بردن تولید و خارج کردن بسیاری از واحدهای تولیدی کشور که در رکود کامل به سر می برند و در واقع حمایت دولت از تولید داخلی، همه بخشی از یکبار واحدی است که هدف آن رژیم «ولایت فقیه» است. کارگران به تجربه روزمره خود دریافته اند که سرچشمه بدبختی، فلاکت، فقر و محرومیت غیر انسانی که بر آنان و خانواده های آنها تحمیل شده و می شود، سیاست هایی است که رژیم استبدادی حاکم در ده سال گذشته به دستور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بر میهن ما تحمیل کرده اند. سیاست هایی که همچنان از سوی دولت کنونی دنبال می شود.

تشکل، سازمان یافتگی و اعتصاب، سلاح های نیرومند طبقه کارگر و زحمتکش در مبارزه با ارتجاع حاکم است. حرکت های کارگری در سال های اخیر، از جمله حرکت شکوهمند کارگران نفت در اسفندماه ۷۵، پیش از انتخابات ریاست جمهوری، حرکت هزاران کارگر مجتمع صنایع ملی (کفش ملی)، و حرکت هزاران کارگر کاشانی در مقابله با برنامه واگذاری بیمارستان بهشتی، که با پول کارگران ساخته شده بود، به بخش خصوصی، نشان داده است که جنبش مستقل کارگری، گام به گام تحول کیفی یافته، و می رود تا جایگاه و نقش شایسته خود را در جنبش عمومی خلق مستحکم کند. حضور نیرومند جنبش کارگری در صف جنبش خلق، به مفهوم تعمیق جنبش در راستای حرکت به سمت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی است. سازمان دهی جنبش مستقل طبقه کارگر و زحمتکش، یکی از مهمترین وظایفی است که پیش روی نیروهای مترقی و کارگران پیشرو قرار دارد. ارتجاع و حتی نیروهای متزلزل و فرصت طلب که خود را در صفوف نیروهای خلقی جا زده اند، به خوبی از نقش و جایگاه تاریخی طبقه کارگر میهن ما آگاهند و از همین رو است که عمیقاً از رشد چنین جنبشی عمیقاً در هراسند.

جنبش توده های محروم و جان به لب رسیده از ارتجاع و استبداد حاکم، هر روز ابعاد تازه ای پیدا می کند. اعتراض های روبه گسترش دانشجویان، که آخرین آن برپایی تظاهرات در دفاع از کدیور به عنوان یک زندانی سیاسی بود، در کنار رشد حرکت زنان در مقابله با سیاست زن ستیزانه رژیم «ولایت فقیه»، اگرچه از اهمیت بسزایی برخوردار است ولی تنها با پیوند خوردن به جنبش نیرومند، مستقل و سازمان یافته طبقه کارگر ایران است که خواهد توانست در نبرد نهایی ارتجاع حاکم را با شکست روبه رو کند. برپایی تظاهرات پرشکوه اول ماه مه در گوشه و کنار کشور در آغاز سال ۷۸، نوید دهنده سال پر بار و ثمربخشی در سازمان دهی جنبش کارگری است. در این راه، توده ای ها و سایر نیروهای مترقی باید همه توان و امکانات خود را به کار گیرند.



پیروزی کمونیست ها در انتخابات محلی

در روز ۸ اردیبهشت، حزب کمونیست ژاپن پیروزی ۲۱۴۰ کاندیدای خود در دور دوم انتخابات ملی کشور را جشن گرفت. نتایج دو دور انتخابات در روزهای ۲۲ فروردین و ۱۵ اردیبهشت جاری در بردارنده موفقیت ۴۴۱۳ نماینده حزب کمونیست در شوراهای محلی است، که در تاریخ حزب بی سابقه است. در انتخابات برای مجالس شهرهای بزرگ ۱۰۳۳ نماینده حزب کمونیست پیروز شدند که در مقایسه با انتخابات ۴ سال پیش نمایانگر افزایش ۸۴ کرسی است. در نتیجه حزب کمونیست بر حزب حاکم - لیبرال دمکراتیک - که ۸۸۱ نماینده دارد یعنی (۷۵ نماینده کمتر از دوره قبل) پیشی گرفته است. در حال حاضر در ۱۱۸ ارگان قانونگذاری محلی، حزب کمونیست حزب اکثریت و در نتیجه حزب حاکم است. کمیته مرکزی حزب اعلام کرد که پیروزی نمایندگان حزب محصول اینست که «آنها منافع شهروندان را بر تراز امر دیگری می دانند» و با سیاست های نولیبرالی احزاب دست راستی مخالفت می کنند. حزب هم چنین در پاسخ به «کارزار ضد کمونیستی شگفت آور» حزب لیبرال دمکراتیک و دیگر احزاب راست، خواهان پایان حملات ناتو به یوگسلاوی شد.

تظاهرات جهانی بر ضد «ناتو»

صدها هزار نفر از مردم جهان، در بیش از یکصد شهر، در مخالفت با بمباران های «ناتو» بر ضد یوگوسلاوی، دست به تظاهرات گسترده ای زدند. در نیویورک بیش از ۱۵ هزار نفر در راه پیمایی بر ضد دولت شرکت کردند. تظاهرات آلمان، گسترده تری در شهرهای مختلف آلمان، فرانسه و ایتالیا، که اعضاء ناتو اند، صورت گرفت. سخنگوی مرکز جنبش بین المللی (ضد جنگ) گفت: «دولت کلینتون و پنتاگون در مورد وقایع یوگوسلاوی به عنوان جنایتکاران جنگی محکوم اند. آنها به نام «دفاع از حقوق بشر» در یک کشور، به وسیله هواپیما های مدرن، مردم همان کشور را بمباران می کنند. در حال حاضر نیز «ناتو» اعلام کرده است که می خواهد مراکز تلویزیونی یوگوسلاوی را بمباران کند (در تاریخ ۴ اردیبهشت ماه هواپیما های ناتو مرکز تلویزیون بلگراد را بمباران کردند که در آن بیش از ده نفر از کارکنان تلویزیون کشته شدند.) سؤال این است که چرا مرکز تلویزیونی؟ این ایستگاه های تلویزیونی مرکز افشا خرابی ها و کشتارهای ناشی از بمباران های «ناتو» اند. اینکه چگونه این بمب ها به ترن توریست ها و مناطق مسکونی در «پرستینا»، «بلگراد» و کارخانه ماشین سازی یوگوسلاوی اصابت کرده اند و باعث کشتار جمعی مردم شده اند. دولت کلینتون می خواهد حقایق موجود پیرامون حمله های

تبه کارانه «ناتو» را از دید مردم آمریکا پنهان کند و اخبار و اطلاعات مربوط به جنگ را فقط پس از گذشتن از سنسور پنتاگون در اختیار مردم قرار می دهد. «مردم یوگوسلاوی در هدفشان برای حفاظت کشورشان از مداخله پابرجایند... میلیون ها انسان در سراسر جهان در تدارک حرکت اعتراضی قدرتمندی اند، آنچه آن در جریان جنگ ویتنام روی داد... جوانان آمریکا نمی خواهند به خاطر موفق شدن ناتو و پنتاگون در جنگ، کشته شوند یا آدم کشی کنند... در همین رابطه، سازمان های ضد جنگ برای پایان دادن به جنگ، اعلام بسیج ملی کرده اند که تاریخ آن روز شنبه ۵ ژوئن در برابر ساختمان پنتاگون خواهد بود... تظاهرات عمومی به یادبود قربانیان جنگ ویتنام، از واشنگتن آغاز شده و تا پنتاگون ادامه خواهد یافت.»

تشدید حملات و پنجاهمین سالگرد «ناتو»

در پنجاهمین سالگرد تاسیس پیمان «ناتو» که در واشنگتن برگزار شد، سران این پیمان تصمیم گرفتند تا برای نشان دادن قدرت نظامی خود، حملات نظامی و تحریم های اقتصادی بر ضد یوگوسلاوی را هرچه بیشتر تشدید کنند. در ارتباط با افزایش بمباران ها، بر تعداد تلفات جانی و غیر نظامی افزوده شد، که بسیاری از آنها حتی مورد تأیید «ناتو» نیز قرار گرفته است. از جمله آنها، حمله به ایستگاه تلویزیونی بلگراد در روز ۲۴ آوریل بود که در آن بیش از ۱۰ نفر کشته و تعداد بی شماری زخمی شدند. در همین رابطه، سازمان بین المللی خبرنگاران، طی اطلاعیه ئی ضمن همدردی با خانواده کشته شدگان، یوآرد اعتراض و نفرت خود را بر ضد بمباران های «ناتو» اعلام کردند و آن را تجاوز به آزادی خبرنگاران دانستند. روز بعد نیز قرارگاه پناهندگان در «کوسوو» هدف قرار گرفت که تعداد زیادی کشته و زخمی از خود باقی گذاشت. در روز اول ماه مه نیز بیش از ۶۰ نفر از مسافرن یک اتوبوس، که ۱۵ نفر آنها کودک بودند، به قتل رسیدند. انهدام پل و حمله به آن به عنوان «تخریب ارتباطات استراتژیک» عنوان شد، اما بنا به گفته یکی از مقامات مسئول ناتو این پل در «لیست» هدف های آنها نبوده است، و طبق گفته شاهدان عینی و شواهد موجود هیچ گونه هدف نظامی و استراتژیک در این منطقه وجود ندارد.

در روز ۳ ماه مه نیز اثر اصابت بمب های ناتو بیش از ۲۰ نفر از مسافرن یک اتوبوس که از «کوسوو» عازم «مونتو نگرو» بودند، کشته شدند.

تظاهرات اول ماه مه

میلیونها نفر در سراسر جهان، به مناسبت روز اول ماه مه، تظاهرات گسترده ای را برگزار کردند. تظاهرات امسال، علاوه بر نمایش خواست های طبقاتی کارگران، کارزار ضد جنگ، ضد سیاست های نظامی گری امپریالیسم و در راس آن آمریکا، در جهان و به ویژه بمباران وحشیانه یوگوسلاوی توسط «ناتو» بود. ده ها هزار نفر در مسکو، در هوایی بارانی، با حمل پرچم های سرخ و پلاکارد های اعتراضی که حملات «ناتو» به یوگوسلاوی و سیاست های ضد مردمی و غیر انسانی دولت روسیه را محکوم می کرد، بزرگداشت روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. در اوکراین تظاهرات وسیعی صورت گرفت که در آن تظاهر کنندگان در شعارها و پلاکاردهای خود خشم و نفرتشان را از حملات «ناتو» ابراز داشتند. رهبر حزب کمونیست در سخنرانی خود مقاومت و شجاعت مردم یوگوسلاوی را در برابر حملات مداوم و وحشیانه «ناتو» ستایش کرد. در بلگراد با وجود حملات هوایی «ناتو» کارگران با صف آرای منظم و به طور گسترده، تظاهرات اول ماه مه را برگزار کردند. رهبر اتحادیه کارگری «بور»، «میلسویوسینیک»، در راه پیمایی اول ماه مه گفت: «هیچ کس نخواهد توانست کارگران و ساکنین این کشور را نابود کند.»

در یونان بیش از ده هزار نفر به طرف سفارت آمریکا در آتن راه پیمایی کرده و تظاهرات اول ماه مه را تبدیل به یک حرکت اعتراضی ضد «ناتو» کردند و پرچم آمریکا و تصاویر کلینتون را به آتش کشیدند. لازم به یادآوری است که در آخرین سنجش افکاری که در یونان صورت گرفته است، ۹۵ درصد مردم مخالف بمباران های «ناتو» اند.

در ترکیه بیش از ۲۰ هزار نفر، تحت مراقبت کامل پلیس که مجهز به سلاح گرم و ماسک ضد گاز اشک آور بود، و حمایت هلی کوپترها و نیروهای مسلح در پشت بام ها را همراه داشت، تظاهرات اول ماه مه را در استانبول برگزار کردند. در این راه پیمایی برخوردهایی روی داد که در نتیجه آن پلیس تنی چند از تظاهر کنندگان را دستگیر کرد. در راه پیمایی دیگری هواداران پ.ک.ک.ک به دفاع از «عبدالله اوچالان» رهبر این حزب پرداخته و خواستار آزادی وی شدند. طبق تاریخ تعیین شده توسط دادستانی ترکیه، دادگاه «عبدالله اوچالان» در ۳۱ ماه مه به جرم «اقدام مسلحانه برای تجزیه کشور» آغاز خواهد شد.

در بلغارستان، رهبر سوسیالیست اپوزیسیون، در راه پیمایی اول ماه مه، در جمع هواداران این حزب گفت: «نقشه های دولت برای در اختیار گذاشتن فرودگاه های کشور به ناتو برای بمباران یوگوسلاوی، کشور را به طور غیر مستقیم وارد جنگی غیر قانونی خواهد کرد. در اسرائیل، در شهر ناظره، راه پیمایی مشترکی

متشکل از اسرائیلی ها و ساکنین عرب نشین این شهر صورت گرفت که در آن تعداد زیادی از اعضا حزب کمونیست اسرائیل شرکت داشتند. در این تظاهرات، راه پیمایان خواستار ادامه و تسریع گفتگوهای صلح شدند و سیاست های نخست وزیر این کشور «نتانیاها»، را در روند گفتگوهای صلح محکوم کردند.

تعویق اعلام استقلال

رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین در روز ۹ اردیبهشت رسماً تأکید کردند که، اعلام تشکیل کشور مستقل فلسطینی را که بر طبق موافقتنامه «صلح اسلو» می باید در روز ۱۴ اردیبهشت انجام شود، به تعویق انداخته اند. مقامات فلسطینی اظهار داشتند که پیش از انتخابات اسرائیل که در اواخر اردیبهشت انجام خواهد شد، اجلاس شورای مرکزی فلسطین در باره زمان مناسب آن تصمیم خواهد گرفت. سخنگوی شورای مرکزی فلسطین، سلیم الزنون، گفت که، پارلمان ۱۲۴ نفره فلسطین در پایان یک اجلاس سه روزه خود در غزه بیانیه ئی را در این رابطه با آرای اکثریت مطلق تصویب کرده است. یاسر عرفات، رهبر حکومت خودمختار فلسطینی، که قبلاً بدفعات متذکر شده بود که در روز ۱۴ اردیبهشت ایجاد یک کشور فلسطینی را اعلام خواهد کرد، در زیر فشار کشورهای غربی که مدعی بودند این اقدام دو هفته قبل از انتخابات پارلمانی اسرائیل موضع نیروهای افراطی راست را که مخالف روند صلح اند، تقویت خواهد کرد، تصمیم به تعویق اعلام استقلال گرفت. ● جنگنده های اسرائیلی بمباران مناطق مسکونی در لبنان را که از روز ۱۵ اردیبهشت آغاز شده است ادامه دادند. در این روز هواپیماهای اسرائیلی دهکده هایی در منطقه کوهستانی بقاع و اقلیم التفاح در شمال و جنوب لبنان را بمباران کردند. سلیم الحص، نخست وزیر لبنان، حملات هوایی دولت صهیونیستی را محکوم کرد و گفت: «ما احساس می کنیم که این در ارتباط با کارزار انتخاباتی است که در اسرائیل در جریان است.» در سال ۱۹۹۶ - شیمون پرز، نخست وزیر سابق اسرائیل، دستور یک بمباران ۱۷ روزه را چند هفته قبل از انتخابات صادر کرد. موشه آرن - وزیر دفاع اسرائیل - ارتباط بمباران ها و انتخابات آینده اسرائیل را تکذیب کرد و گفت که این بمباران ها برای حفاظت از حامیان نیروهای اسرائیل در منطقه اشغالی جنوب لبنان است. اسرائیل پیگیرانه از اجرای یک قطعنامه سازمان ملل که در سال ۱۹۷۸ در رابطه با خروج نیروهای نظامی آن از خاک لبنان صادر شده، سرباز زده است. لبنان هر گونه شرطی را برای خروج نیروهای نظامی اشغالگر اسرائیلی مردود می شمرد و خواستار اجرای کامل مصوبه سازمان ملل است.

گزارش از روزنامه گاردین

سیمای «انسانی» سرمایه داری

در رابطه با جنبه های مختلف حمله جنایت بار پیمان جنگ طلبانه ناتو به یوگسلاوی، مطالب بسیاری گفته شده است اما یکی از جنبه های اصلی این فاجعه، یعنی ارتباط مستقیم آن با دیگر ماجراجویی های امپریالیستی در دوران معاصر، به طور واضح مورد توجه قرار نگرفته است. در مقاله حاضر که در روزنامه انگلیسی زبان گاردین با عنوان «جنگ هسته ای، ارمنان ناتو» چاپ شده است، جان پیلجر، خبرنگار معروف، که در گذشته در رابطه با سیاست های ضد انسانی آمریکا و نیز عملکرد جنایتکارانه خمرهای سرخ در کامبوج (و سکوت تائید آمیز ایالات متحده) و همچنین فاجعه تیمور شرقی و جنایات دولت اندونزی مقالات، کتاب ها و برنامه های تلویزیونی بر طرفدار ی عرضه کرده است، پرده از یکی از مخوف ترین جنبه های حمله نظامی امپریالیسم به یوگسلاوی بر می دارد.

•••

جنگ « عادلانه » و « اصیل » لیبرال ها که در آن بمب های ناتو مردم عادی را در اتوبوس به خاکستر مبدل کرده، و قبل از آن هم مسافران یک قطار را، پناهندگان مسافر بر تراکتور ها را، سالمندان یک آسایشگاه را، کارگران کارخانه ها و کودکان را در خانه هایشان به قتل رسانده بود، نمونه ئی تازه نیست. ویتنام جنگ لیبرال ها بود که توسط جان کندی، قهرمان محبوب بیل کلینتون، «جهدای نیکوکارانه» و توسط ریگان محافظه کار «یک جنبش اصیل» خوانده شد. مارک ها والقباب، حالا که کلینتون جایگزین ریگان شده است و بلیر به جای تاچر نشسته است، فقط برای گول زدن و فریب دادن اهمیت دارند. «وحی جدید» ناتو، یافتن توجیهی برای حملات به سرکردگی آمریکا در سراسر جهان است. هنگامی که کمونیسم از جنگ سرد کناره گرفت، از «جنگ بر ضد مواد مخدر» به عنوان توجیهی برای مداخلات نظامی تازه ایالات متحده در آمریکا لاتین استفاده شد. پس از آن پیگرد «شخصیت های اهریمنی» نقش برجسته یافت. «شخصیت های اهریمنی» دیکتاتوری هایی هستند که دیگر از نظر ایالات متحده از حیز انتفاع افتاده اند. مورد ژنرال نوریه گا، در پاناما، جایی که تجاوز نظامی ایالات متحده به قیمت مرگ ۲۰۰۰ نفر تمام شد، و صدام حسین عراق (۲۰۰/۰۰۰ نفر تلفات) و رهبران نظامی مختلف در سومالی (۷۰۰۰ نفر تلفات)، از این دست اند. اکنون نوبت میلیوسویچ است که به همراه کلینتون و بلیر در قبال تخلیه کردن کوسوو، مسئولیت مشترک دارد.

در سال های اخیر توسل به مبارزه با سلاح های انهدام جمعی به تاکتیک هدف قرار دادن شخصیت های اهریمنی به عنوان توجیه برای حمله، به کشورها، اضافه شده است. این شامل سلاح های شیمیایی، بیولوژیک و هسته ای می شود که مالکیت آنها بر طبق اسناد ناتو «مستلزم اقدام تلافی جویانه غافلگیر کننده» است. سببیت حملات مداوم نظامی و اقتصادی بر ضد عراق از چنین طریقی توجیه می شود، در حالی که دلیل اصلی، کنترل یک منطقه تحت قیمومیت ایالات متحده، که از خلیج فارس تا دریای خزر گسترش دارد، است. دورویی و ریاکاری در مقیاس عظیمی در جریان است. تنها یک کشور در جهان، ایالات متحده، هر سه نوع سلاح های انهدام جمعی را مورد استفاده قرار داده است. از میکروب آبله برای پاکسازی قومی برضد بومیان آمریکایی استفاده شد و همچنین طاعون بر ضد کوبا، و سلاح های شیمیایی در جنگ ویتنام مورد استفاده قرار گرفتند. بین سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱،

هوایمهای آمریکایی یک ماده شیمیایی را که باعث ریختن برگ درختان می شود بر خاک ویتنام فروریختند این ماده محتوی «عامل نارنجی» است که در بردارنده، دیوکسین، سمی که باعث مرگ جنین، نقایص مادرزادی و ارثی و سرطان می شود. نام رمزی این عملیات، عملیات جهنم بود.

وقتی که یک کمیته تحقیق کنگره آمریکا فاش کرد که معادل سه کیلو دیوکسین بر سر هر مرد و زن، کودک در جنوب ویتنام فروریخته شده است، عملیات جهنم به عملیات با نام مقبول تری تغییر یافت و بارش مواد شیمیایی ادامه پیدا کرد. در ویتنام الگویی از نوزادان ناقص الخلقه تشخیص داده شده است: نوزادانی که چشم نداشتند، با قلب های ناقص، مغزهای کوچک و بدون دست و پا. من این کودکان را در دهکده های ولتای مکونگ به چشم خود دیدم و هرگاه در مورد آنان سؤال کردم، مردم به آسمان اشاره کردند و مردی تصویر یک هوایمهای سی ۱۳۰ که در حال فروریختن بمب بود را بر خاک ترسیم کرد. در شهرها این غیر معمول نبود که بچه های ناقص الخلقه ئی را که مشغول نگرانی بودند، مشاهده کنید. آنها به «فرزندان عامل نارنجی» مشهور بودند. اخیراً، در بیمارستان «تودو» در سایگون گروه نوزادان تازه متولد شده که همه آنان بر اثر «عامل نارنجی» ناقص الخلقه شده بودند را به من نشان دادند. جنگ که به طور

«... جنگ « عادلانه » و « اصیل » لیبرال ها که در آن

بمب های ناتو مردم عادی را در اتوبوس به خاکستر مبدل کرده، و قبل از آن هم مسافران یک قطار را، پناهندگان مسافر بر تراکتور ها را، سالمندان یک آسایشگاه را، کارگران کارخانه ها و کودکان را در خانه هایشان به قتل رسانده بود، نمونه ئی تازه نیست. ویتنام جنگ لیبرال ها بود که توسط جان کندی، قهرمان محبوب بیل کلینتون، «جهدای نیکوکارانه» و توسط ریگان محافظه کار «یک جنبش اصیل» خوانده شد.

رسمی در سال ۱۹۷۵ خاتمه یافته، هنوز ادامه دارد. زمین وآب آلوده یک نسل سوم را مسموم می کند. بر خلاف بازماندگان آمریکایی و استرالیایی جنگ ویتنام که از طرف تولید کنندگان دیوکسین به آنها غرامت مالی پرداخت شد، قربانیان ویتنامی هیچ چیزی دریافت نکرده اند. اکنون یک مطالعه تحقیقاتی پنج ساله توسط دانشمندان کانادایی اثبات کرده است که دیوکسین به میزان بالایی در زنجیره غذایی ویتنام وجود دارد و لذا کمک بین المللی برای آلودگی زدایی زمین های زراعی، جنگل ها و منابع آبی ویتنام ضروری است. قیمت یک بمب افکن اف ۱۶ می تواند همه خرج این را بپردازد. جیمی، سخنگوی مطبوعاتی ناتو، به دنبال یک کشتار ناجوانمردانه پناهندگان توسط یک خلبان اف ۱۶، اظهار داشت «آیا شما می توانید تصور کنید که خلبانان یک کشور دموکراتیک عامدانه مرتکب چنین عملی بشوند.»

امروز همان خلبانان در حال فروریختن سمی هستند که به طور بالقوه به همان اندازه «عامل نارنجی» فاجعه بار است. بمب هایی که بر سر مردم

ادامه در صفحه ۵

کمک های مالی رسیده

داداشی از اشیورن ۷۰ مارک
الهام از برلین ۵۰ مارک

آدرس ها: لفظاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:557

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

11 May 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۲۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse